



کنکاشی در ایجاز و اطناب به عنوان دو مؤلفه ی بلاغی در داستان رستم و اسفندیار

رسول بهنام^۱، امیر حسین مسعودی راد^۲

۱- استادیار گروه علوم انسانی دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید رجایی ارومیه

۲- دانشجوی کارشناسی آموزش زبان و ادبیات فارسی، پردیس شهید رجایی ارومیه

چکیده

ایجاز و اطناب از مهمترین نکات موثرسازی کلام بلیغ در ادبیات عرب و عجم است. برای هر کدام از این ها، زمینه هایی در کتاب های بلاغی می توان به دست آورد باید پذیرفت که با وجود یکسان نبودن همه ی آن موارد، اغلب اشتراکات چشمگیری دارند. هدف این مطالعه بررسی این مهم؛ یعنی موارد ایجاز و اطناب در داستان رستم و اسفندیار فردوسی و اغراض ثانویه ی آن ها بوده و به دنبال این است تا بیشتر معلوم نماید که آیا فردوسی در این داستان به ایجاز گراییده یا اطناب و چرا؟ نتایج به دست آمده از داده ها، معلوم می کند که این سازنده ی کاخ بلند از نظم فارسی، در این داستان، رویکرد اطناب را بر ایجاز ترجیح داده و به دلیل رعایت مقتضای حال و وضعیت داستان تلاش نموده تا با این شیوه ی بلاغی تاثیر بیشتری بر خوانندگان گذاشته و آن ها را اقناع نماید. ضمناً از موارد اطناب، کاربرد دو مورد ایضاح بعد از ابهام و بدل، بر دیگر زمینه های اطناب پیشی گرفته است.

واژگان کلیدی: فردوسی، شاهنامه، رستم و اسفندیار، ایجاز، اطناب